

سنت‌های الهی - تاریخی در دو سوره رعد و ابراهیم

علی فهیمی*

چکیده

سنت‌های تاریخی که قرآن از آن به «سنت‌الله» تعبیر کرده، در واقع همان روابط علی - معلولی به شمار می‌آید که در طول تاریخ بر جریانهای زندگی اجتماعی بشر حکم فرما بوده است و از لحاظ زمان و مکان هیچ‌گونه محدودیتی را برنمی‌تابد.

در این نوشتار، سنت‌های الهی - تاریخی در دو سوره رعد و ابراهیم بررسی شده و در پایان به مباحث تاریخی در قرآن کریم و نیز تاریخ صدر اسلام اشاره گردیده است. در ضمن ترجمه آیات، به تفسیر *اطیب البیان* آیت‌الله طیب اصفهانی برمی‌گردد.

واژه‌های کلیدی

قرآن، سنت، تاریخ، تغییر، عبرت.

مقدمه

دانش‌مندان و تحلیل‌گران اجتماعی که قوانین و سنت‌هایی را برای جامعه کنونی قائلند و بر اساس آن پدیده‌های اجتماعی را بررسی می‌نمایند، ثبات و دوام حکومت‌ها را نیز از این منظر تحلیل می‌کنند. اما برای جوامع پیشین چطور؟ به عبارت دیگر، آیا تاریخ نیز از این قوانین و سنت‌ها برخوردار است یا خیر؟

تاریخ به منزله یک علم نیز قوانین و سنت‌هایی دارد و هر حادثه و پدیده‌ای که در جوامع پیشین رخ داده است در چارچوب سنت‌های تاریخی واقع شده است.

بنابراین، هر پدیده تاریخی، علت طبیعی خودش را دارد. اگر حادثه‌ای در مقطع خاصی از زمان رخ داده باشد، آن حادثه ابتدا به ساکن نبوده و خود به خود و بدون پیش‌زمینه‌های تاریخی صورت نگرفته است. بلکه از زمان قبل از وقوعش سرچشمه می‌گیرد. یعنی ابتدای آن در گذشته‌های دور و یا نزدیک قرار داشته و در زمان ظهور، آن پدیده به اوج خود رسیده است. از این رو، تحلیل‌گران اجتماعی، پدیده‌های تاریخی را تصادفی و بدون علت نمی‌دانند؛ بلکه علل آن را در ارتباط با پدیده‌های دیگر و عمل‌کرد جوامع انسانی جست‌جو می‌کنند؛ هم‌چنان‌که در تحلیل جامعه کنونی، پیوند بین پدیده‌ها را بررسی می‌نمایند.

اسلام، این دین اجتماعی و فراگیر نیز قوانین و سنت‌هایی را برای جوامع بشری قائل است. از این دیدگاه، قوانین حاکم بر حوادث جهان در واقع همان روابط علی و معلولی به شمار می‌آید که از طرف خداوند بر جریانه‌های اجتماعی مقرر شده است و چنین سنت‌هایی به زمان و مکان و یا قوم و ملت خاصی اختصاص ندارد، بلکه همان‌طور که بر جوامع پیشین صادق بوده است برای جوامع کنونی نیز صادق است. عمومیت و کلیت این قوانین، سنن تاریخی را جنبه علمی می‌بخشد. لذا مهم‌ترین اعتبار قوانین علمی، فراگیری و کلیت آن‌ست؛ چنان‌که قرآن کریم نیز عمومیت این سنت‌ها را تأیید می‌کند:

(سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)

شما برای سنت‌های الهی هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نخواهید یافت.^۱

ویژگی‌های کلی سنت‌های تاریخی قرآن

سنت‌های تاریخی قرآن ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله:

الف) عمومیت و فراگیری؛ به این معنا که سنت‌های تاریخی موجود در قرآن وضع ثابت و تخلف‌ناپذیر دارد و روابط اتفاقی و کورکورانه نیست. این عمومیت و فراگیری، به سنن تاریخی موجود در قرآن جنبه علمی می‌بخشد؛ لذا به استمرار و کلیت آن تأکید و تصریح می‌کند.

ب) خدایی بودن؛ سنن تاریخی مربوط به خداوند و به عبارتی «سنت‌الله» است. ج) آزادی اراده و اختیار انسان؛ سنت‌های تاریخی به معنای وجود جبر و نبود اختیار نیست، بلکه آزادی انسان در انتخاب، به‌ویژه در سنن تاریخی و هم‌آهنگی بین اراده انسان و سنت‌های تاریخی از اموری است که قرآن به آن تأکید می‌کند.^۱

سنن مربوط به جامعه و تاریخ

۱. سنت دگرگونی جامعه به واسطه تغییر درونی اجتماع

تغییر و دگرگونی یکی از موضوعات مطرح در قرآن کریم است. جامعه امروز با جامعه صد سال قبل فرق دارد؛ انسان امروزی با انسان صد سال پیش متفاوت است؛ فرهنگ‌ها، شکل و بافت جوامع، ارتباطات، نهادها و نهادهای دگرگون شده است. اما منظور از تغییر و تطور در قرآن که به صورت یک سنت بیان شده چیست؟
خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲

محققاً خداوند نعمت‌ها و تفضلات خود را به هیچ قومی تغییر نمی‌دهد مادامی که آنها تغییر ندهند.^۳

چه چیزی تغییر نمی‌کند مگر به اراده قوم و چگونه تغییر می‌کند؟

سه مسأله را در مورد این موضوع می‌توان مطرح کرد:

یکم. موضوع تغییر در قرآن چیست؟ آیا ارزش‌ها تغییر می‌کند، شکل و بافت جوامع

عوض می‌شود، نهادها فرق می‌کند و ارتباطات تغییر می‌یابد؟ ...

۱. محمد باقر صدر، *سنت‌های تاریخ درقرآن*، ترجمه: سیدجمال موسوی، ص ۱۳۹ - ۱۴۶، انتشارات اسلامی، قم:

بی‌تا؛ احمد حامد مقدم، *سنت‌های اجتماعی درقرآن کریم*، ص ۱۴ - ۱۵، چاپ پنجم، بنیاد پژوهش‌های

اسلامی، مشهد: ۱۳۸۳.

۲. سوره رعد، آیه ۱۱.

۳. طیب اصفهانی، *تفسیر الطیب‌البیان*، ج ۷، چاپ دوم، اسلام: ۱۳۷۸، ترجمه: تمامی آیات این تحقیق از این تفسیر

گرفته شده است.

دوم. عامل تغییر چیست؛ مشیت الهی، اراده انسان، فرهنگ، جغرافیا، قهرمان و...؟ سوم. نوع تغییر چگونه است؛ کمی یا کیفی؟

در مورد مسأله اول، باید گفت که از آیه یاد شده چنین استفاده می‌شود که تغییر جامع از تغییر درون اجتماع متأثر است؛ یعنی ابتدا اندیشه و تفکر ملت‌ها عوض می‌شود «یغیروا ما بأنفسهم»، سپس ارزش‌ها تغییر می‌کند و به تبع آن، رفتارها و عمل‌کردها نیز دگرگونه می‌شود و جوامع شکل دیگری به خود می‌گیرد. در واقع بر اساس تغییری که در بینش و تفکر ملت‌ها ایجاد می‌شود، رفتارها و عمل‌کردها نیز تغییر می‌کند. پس دگرگونه‌اندیشی اجتماع در ابعاد مختلف زندگی، زیربنای دگرگونی جامعه است و تغییر جامعه، نمود آن دگرگونی در تفکر از این نظر، تمدن نمود فرهنگ می‌شود. شهید صدر^۱ در این زمینه می‌نویسد:

به شرطی روبنا (شکل و بافت...) جامعه عوض می‌شود که زیربناها (اندیشه و تفکر) تغییر کند... اگر حالت فکری عوض شود، جامعه عوض می‌شود.^۱

از این‌جا استفاده می‌گردد که موضوع تغییر در قرآن، هم تغییر درونی و محتوایی است و هم تغییر در ساختار و ظاهر؛ تغییر محتوایی از این رو که اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها تغییر می‌کند، یعنی در اذهان ملت‌ها تغییر پیدا می‌شود و تغییر در ساختار هم که به دنبال تغییر در محتوا ایجاد می‌گردد، نهادها تغییر می‌نماید، برخوردها و آداب و رسوم فرق می‌کند، قوانین عوض می‌شود، ساخت و سازهای شهری - روستایی و تعداد جمعیت تفاوت می‌یابند. برای نمونه، پس از بعثت پیامبر اسلام^ص ابتدا نگرش و دیدگاه‌های ملت عرب تغییر کرد. تعصبات قومی - قبیله‌ای جایش را به اخوت و برادری داد و قبایل مختلف در کنار هم، اجتماع واحدی را تشکیل دادند و شکل گروه‌بندی نیز تغییر کرد و دو گروه مؤمن و مشرک به وجود آمدند.

در مورد مسأله دوم، با توجه به آیه یاد شده، چنین به نظر می‌رسد که عامل دگرگونی واحد نیست. سنت تاریخی در این آیه به صورت یک قضیه شرطیه بیان شده است. یعنی خداوند به شرطی وضعیت قومی را تغییر می‌دهد که آنها ابتدا خودشان را تغییر دهند. این سنت پیوند بین دو نوع تغییر را بیان می‌کند:

- تغییر محتوایی و باطنی در انسان؛
- تغییر در وضعیت ظاهری او.

۱. سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۴۵.

تغییر در باطن مردم، یعنی اراده و تصمیم آنها تغییر می‌کند. سپس در بنای ظاهری و کیان مادی و اعتباری جهان آنها بی‌شک تغییر به وجود خواهد آمد.^۱

بنابراین، تغییر کاملاً با اراده و اختیار انسان صورت می‌گیرد. پس انسان دگرگونی را به وجود می‌آورد و تاریخ را می‌سازد نه این که خود ساخته و مقهور تاریخ باشد. مشیت خداوند بر هر امری نیز بعد از اراده انسان به آن تعلق می‌گیرد. بنابراین، از آیه استفاده می‌شود که عامل دگرگونی واحد نیست، بلکه اراده انسان و مشیت خداوند باهم منشأ تغییراتی در جامعه می‌شود.

در مورد چگونگی نوع تغییر و این که آیا تغییر تنها در کمیت صورت می‌گیرد یا نه در کیفیت موضوع نیز تغییر ایجاد می‌شود، باید گفت: هرگونه تغییر که صورت می‌گیرد، میزان و مقدار آن می‌تواند زیاد باشد و بخش‌های مختلف جامعه را دربرگیرد و یا کم باشد و تنها در بخشی خاص، مثل اقتصاد صورت پذیرد. بی‌شک، به دنبال تغییر در کمیت موضوع، در کیفیت آن نیز تغییر ایجاد می‌شود. آن‌گاه تغییر صورت گرفته، یا رشد و تکامل جامعه را باعث می‌گردد و آن را در مسیر کمال سوق می‌دهد که تغییر تکاملی بوده است. یا سقوط و رکود جامعه را باعث می‌گردد و به سوی هلاکت و ضلالت می‌کشاند که تغییر غیرتکاملی است. از آیه مذکور استفاده می‌شود که تغییر در قرآن هم تغییر کمی را شامل می‌گردد و هم تغییر کیفی را چه به سوی کمال باشد و چه به سوی ضلالت و هلاکت؛ چون تغییر در آیه به طور مطلق بیان شده است.

۲. سنت رویارویی حق و باطل

رویارویی حق با باطل یکی از سنت‌های تاریخی به شمار می‌آید که در قرآن بیان شده است. همواره در طول تاریخ این دو در مقابل هم قرار داشته‌اند و در مقابل منادیان حق و دعوت‌کنندگان به صراط مستقیم، عده‌ای بوده‌اند که به مخالفت برخاسته و به مقابله و جدل روی آورده‌اند و در برابر آیات الهی، عناد ورزیده و به تکذیب انبیا خود بر می‌خاسته‌اند.^۲ حتی پس از آشکار شدن حق نیز از روی لجاجت و خودخواهی به مبارزه پرداخته‌اند؛ چنان که نمرود، در مقابل ابراهیم، فرعون در برابر موسی، و ابوجهل‌ها در برابر حضرت محمد ﷺ قرار داشتند.

قرآن کریم سرگذشت قوم نوح، عاد و ثمود را مثال زده است که چگونه رسالت انبیای خودشان را انکار کردند و به مخالفت با آنان پرداختند:

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۱۷۸، چاپ هفدهم، صدرا، تهران: ۱۳۸۴.

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِنَا أَرْسَلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَنَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ﴾^۱

ایا نیامد شما را خبر کسانی که پیش از شما بودند قوم نوح، عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنها بودند که آنها را غیر از خداوند نمی‌داند، آمد آنها را پیامبران با معجزات واضح و روشن؛ پس دست‌های خود را به دهان گردانیدند و گفتند هر آینه ما در شک هستیم در آن چه ما را دعوت می‌کنید...

علامه طباطبایی رحمته الله در این زمینه می‌نویسد:

چون ادعای شک و تردید در مقابل حجت روشن و حق صریح که جای هیچ‌گونه شکی را باقی نمی‌گذارد، از کسی قابل تصور است که به اصطلاح لجاجت بوده و اصلاً طاقت شنیدن حق را نداشته باشد و گوینده حق را مجبور به سکوت نماید.^۲

البته در جریان رویارویی حق و باطل، سنت الهی چنین بوده که همیشه پیروزی نهایی از آن حق باشد. ممکن است باطل در برهه‌ای از زمان، به صورت ظاهر، بر حق غلبه یابد و طرفداران حق آن در اقلیت قرار گیرند، اما سنت خداوند عکس این مطلب را افاده می‌کند.^۳

۳. سنت پیروزی مؤمنان بر ظالمان

پیروزی مؤمنان بر ظالمان یکی دیگر از سنت‌های الهی به شمار می‌آید که در قرآن بیان شده است. خداوند در قرآن به مؤمنان وعده داده که آنها را در زمین جای‌گزین ستم‌گران خواهد کرد و پیروزی نهایی از آن آنها خواهد بود؛^۴

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا نَأْزِحَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَ لَنَسْكَتُنَّ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾^۵

کسانی که کافر شدند، به رسولان خود گفتند هر آینه ما شما را از زمین خودمان خارج می‌کنیم و یا این‌که باید شما در ملت و آیین ما برگردید. پس پروردگار آنان

۱. سوره ابراهیم، آیه ۹.

۲. المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۳۲، انتشارات اسلامی، قم: بی‌تا.

۳. سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، ص ۹۵؛ جامعه و تاریخ، ص ۱۸۱.

۴. جامعه و تاریخ، ص ۱۸۱.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۱۲.

وحی فرستاد به سوی رسولان، هر آینه ما البته ظالمان را هلاک می‌کنیم و هر آینه شما را بعد از هلاکت آنان در زمین آنان جا می‌دهیم.

سنن مربوط به هدایت و مجازات

۱. سنت هدایت و ضلالت

هدایت به معنای نشان دادن راه و ارشاد به مطلوب، یکی از سنت‌های الهی است.^۱ سنت ضلالت در مقابل سنت هدایت قرار دارد و به معنای انحراف و عدول از راه مستقیم است و هرگونه انحراف از حق، چه کم و چه زیاد، عمدی و سهوی را شامل می‌شود.^۲ ضلالت دوگونه است:

- ضلالت ابتدایی که خداوند آن را سنت خویش قرار نداده و اضلال مطلق نیست؛
- ضلالت مقید که خداوند آن را سنت مجازات قرار داده است.^۳

هدایت و ضلالت همواره در تمامی جوامع وجود دارد و بر همین اساس، همواره عده‌ای از افراد امت‌ها به صلاح گراییده و عده‌ای به ضلالت و هلاکت رسیده‌اند.^۴ با توجه به آیاتی که در مورد هدایت نازل شده سنت هدایت به یک معنا از جمله سنت‌های عام و مطلق و به معنای دیگر از جمله سنت‌های خاص و مقید است:

- سنت هدایت مطلق در یک مرحله کل مخلوقات را دربرمی‌گیرد و در مرحله دیگر تمام انسانها را شامل می‌شود؛ اعم از اهل ایمان و حق و یا اهل کفر و باطل که در این صورت به قوم و طایفه خاص و یا زمان و مکان خاص مربوط نیست.^۵

قرآن کریم به این معنای هدایت اشاره دارد: **(وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)**؛^۶ از برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است؛ **(الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ)**؛^۷ این کتابی است که به تو نازل کردم تا مردم را به اذن پروردگارتان از ظلمت‌ها خارج کرده به سوی نور که راه خدای عزیز و ستوده است، ببری.

۱. احمد مرادخانی تهرانی، *سنت‌های اجتماعی - الهی در قرآن*، ص ۱۷۷، چاپ اول، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۶.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ قرآن*، ج ۲، ص ۶۳۷ چاپ اول، مرتضوی، تهران: ۱۳۶۳.

۳. *المیزان*، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۹.

۴. *سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم*، ص ۵۵.

۵. *سنت‌های اجتماعی - الهی در قرآن*، ص ۱۸۱؛ *سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم*، ص ۵۵.

۶. سوره رعد، آیه ۷.

۷. سوره سوره ابراهیم، آیه ۱.

این آیات نشان می‌دهد که سنت هدایت جنبه عمومی دارد و به نژاد و گروه خاص اختصاص ندارد و از آیه « کتاب انزلناه الیک»، استفاده می‌شود که قرآن همان‌طور که در زمان رسول اکرم ﷺ کتاب راه‌نما بوده، الان نیز هست؛ زیرا این کتاب برای همه مردم و در همه زمانها جنبه هدایتی داشته است.

- هدایت به منزله سنت معید، به معنی رساندن به هدف و مقصود. این نوع هدایت به اهل ایمان اختصاص دارد:^۱

﴿يُبَيِّنُ اللَّهُ لَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ﴾^۲

خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند به گفتار استوار، در زندگی دنیا و جهان دیگر استواری دهد و ستم‌گران را گمراه کند.

از این آیه استفاده می‌شود کسانی که با برهان و از روی فهم و درک به خداوند ایمان آورده‌اند، خداوند آنان را به هدفشان می‌رساند و در زندگی دنیا و آخرت استوار و ثابت می‌دارد.

خداوند در بعضی از آیات، هدایت و ضلالت انسانها را به خودش نسبت داده، است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ﴾^۳

خدا هر که را بخواهد گمراه نماید و هر که به درگاه او تضرع و اتابه کند، هدایت می‌کند.

آیاتی که هدایت و ضلالت را به خداوند نسبت داده، به خاطر آنست که آغاز هدایت و ضلالت تفاوت دارد. به این صورت که هدایت از ناحیه خداوند آغاز می‌شود و هدایت بعد از خلقت قاعده کلی در خلقت است و اهتدای انسانها را در پی دارد. اما شروع ضلالت از ناحیه خود افراد است که در برابر حق به مخالفت برمی‌خیزند و آن‌گاه خداوند به سبب سوءاختیار این افراد و از باب مکافات عمل، آنان را به ضلالت بیشتر کیفر می‌دهد و در گناه بیشتر کمک می‌نماید.^۴

۱. سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، ص ۵۵؛ سنت‌های اجتماعی - الهی در قرآن، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

۳. سوره سوره رعد، آیه ۲۷.

۴. سنت‌های اجتماعی - الهی در قرآن کریم، ص ۶۰.

۲. سنت مهلت دادن

خداوند کافران و ظالمان را بلافاصله بعد از ستم‌گری‌شان هلاک نمی‌کند، بلکه مدتی به آنان مهلت می‌دهد تا آنها را آزموده، حجت را بر آنان تمام نماید؛ زیرا اگر خداوند مردم را به جرم گناهان‌شان بی‌درنگ مؤاخذه کند، دیگر جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نخواهد ماند.^۱ هر جامعه‌ای دارای اجل است و باید دورانی را بگذراند؛ سنت مهلت دادن جزء همین سنت کلی است. این دوران مهلت، همان دورانی است که این جوامع باید حیات داشته باشند.^۲ خداوند به پیامبر اسلام ﷺ خطاب می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُمْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾^۳

هر آینه به تحقیق استهزا شد پیامبرانی قبل از تو، پس مهلت دادیم برای کسانی که کافر شدند، پس آنان را گرفتیم، پس چگونه است عذاب پروردگار.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾^۴

گمان نکنی که خداوند غافل است از آنچه ظلم‌کنندگان عمل می‌کنند. جز این نیست که خداوند اینها را عقب انداخته برای روزی که چشم‌ها خیره شود.

۳. سنت مجازات

مجازات از جمله سنت‌های الهی است. خداوند انسان‌ها را با توجه به اعمال و رفتارشان مجازات می‌کند. قرآن این سنت را در بعضی از آیات به صورت قانون کلی بیان می‌نماید. در بعض آیات هم به ذکر مصادیق آن پرداخته و از اقوام و ملت‌های نابود شده سخن گفته است و این‌که چگونه ستم‌گران را به هلاکت رسانده است:

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾^۵

خداوند جزای عمل هر نفسی را می‌رساند و در آن واحد قدرت دارد به حساب جمیع رسیدگی کند.

۱. ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهِمْ مِنْ ذَلِيلَةٍ﴾ سوره فاطر، آیه ۴۵.

۲. سنت‌های اجتماعی - الهی در قرآن کریم، ص ۱۲۱.

۳. سوره رعد، آیه ۳۲.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۲.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۵۱.

آیه دیگر می‌فرماید:

(فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ كَافِرًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ) ۱

پس البته گمان مبر که خداوند پیامبران خود را خلف وعده کند. محققاً خداوند عزیز، قادر، قاهر و صاحب انتقام است.

۴. سنت ازدیاد و زوال نعمت

از سنت‌های الهی که به صورت حتمی و قاطع بیان شده، این است که شکر نعمت‌های خداوند افزایش نعمت‌ها را باعث می‌گردد و به عبارتی «شکر نعمت نعمت افزون کند». این از سنت‌های قطعی و استثناپذیر خداوند است:

(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) ۲

هر آینه اگر شکر کردید، من بر شما زیاد می‌کنم.

اما نقصان نعمت در نتیجه کفران آن، از سنت‌هایی است که قطعیت و استثناپذیری ندارد؛ چنان که می‌فرماید:

(وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) ۳

هر آینه اگر کفران کردید محققاً عذاب من شدید است.

پیداست که آیه در نقصان نعمت به واسطه کفران آن صراحت ندارد. بلکه در حد یک تهدید است. البته ناسپاسی و کفران نعمت اقتضای سلب آن را دارد اما ممکن است سنت دیگری جلوی سلب نعمت را بگیرد.

آیت‌الله مصباح یزدی در این زمینه می‌نویسد:

آنچه قطعی و مسلم است، این است که مادامی که مردم نعمت‌های الهی را قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنند، آنها را از دست نخواهند داد. ناسپاسی و عدم قدردانی نیز اگرچه مقتضای سلب نعمت و نزول عذاب است، لکن تحقق و یا عدم تحقق این امور بستگی دارد به این که سنت دیگری حاکم بر این سنت بشود یا نه.^۴

۱. سوره ابراهیم، آیه ۴۷.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، جامه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۵۷، چاپ پنجم: سازمان تبلیغات اسلامی، قم:

بازتاب تاریخ صدر اسلام در قرآن

برخی از آیات قرآن کریم که به صدر اسلام مربوط می‌شود و مسائل اجتماعی را بیان می‌کند. اینک آیاتی تاریخی و در واقع بازگوکننده تاریخ صدر اسلام به شمار می‌آید؛ نظیر آیات سوره انفال و آل عمران که به بیان جنگ بدر پرداخته و تمام جوانب آن از تصمیمات و مشورت‌های دو گروه مؤمن و مشرک گرفته تا موقعیت نظامی آنان، از امدادهای غیبی گرفته تا پیروزی نهایی مسلمانان و حتی در مورد اسرای جنگ بدر را بیان کرده‌اند.^۱ در سوره آل عمران به جنگ احد نیز اشاره شده است. پیروزی اولیه در جنگ احد از آن مسلمانان بود، ولی در اثر مخالفت برخی از نظامیان با اوامر پیامبر اسلام ﷺ و رها کردن موقعیت استراتژیک خود و روی آوردن به جمع‌آوری غنایم، باعث شد که دشمن از غفلت آنان استفاده نماید و دوباره حمله کند که به شکست مسلمانان انجامید.^۲

شکر و ورزیدن به خداوند یکی از مسائل اجتماعی در صدر اسلام بود. قرآن کریم به این موضوع اشاره دارد:

﴿كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَبِثُوا عَلَىٰ الْعَالَمِينَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُم يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ﴾^۳

همین نحو تو را در امتی فرستادیم که قبل از آنها امت‌هایی گذشت، برای این که تلاوت فرمایی بر آنان آن چه به سوی تو وحی نمودیم و آنان کافر به خدای رحمان می‌گردند. بگو اوست پروردگار من، الهی نیست مگر او و بر او توکل کردم و بازگشت به سوی اوست.

خداوند در این آیه به پیامبرش دستور می‌دهد که آیات او را برای امتش بخواند و مردم را به یکتاپرستی دعوت کند.

آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾^۴

۱. جعفر سبحانی، مشهور جاوید، ج ۶، ص ۳۴۲-۳۶۸، چاپ اول: مؤسسه امام صادق، قم: ۱۳۷۵.

۲. همان، ص ۳۷۶-۳۸۴.

۳. سوره رعد، آیه ۳۰.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۴.

مردم را انذار فرما و بترسان از روزی که آنها را می‌آید، پس کسانی که ظلم کردند می‌گویند، پروردگارا ما را مهلت بده...

خداوند در این آیه به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که مردم را انذار کند از عذاب روزی که ستم‌کاران در آن روز پشیمان می‌شوند و از خداوند درخواست مهلت می‌کنند. از این آیات استفاده می‌شود که خداوند برای فراخواندن مردم به توحید، از پیامبر اسلام می‌خواهد که آنان را از عذاب الهی بیم دهد.

چگونگی طرح مباحث تاریخی در قرآن

قرآن کریم با ذکر سرگذشت امت‌های پیشین و پیامبران آنان، بعضی از وقایع را بیان می‌کند، اما سبک و روش بیان داستانهای قرآن متنوع است؛ بعضی داستانها را به صورت مفصل و طولانی و بعضی را به صورت کوتاه بیان می‌کند؛ برخی از داستانها را از وسطش شروع کرده و در برخی دیگر ابتدا نتیجه داستان را بیان نموده و سپس به ذکر داستان پرداخته است؛ برای مثال، در سوره حضرت یوسف، ماجرای جدا کردن یوسف از پدرش و اتفاقات بعدی که باعث می‌شود حضرت یوسف، عزیز مصر گردد و تا ملحق شدن خانواده‌اش به او در مصر، به صورت مفصل آمده است. اما ماجرای دعای حضرت ابراهیم در مورد سرزمین مکه و سکونت دادن ذریه‌اش را در آنجا به صورت مختصر و اشاره در ضمن آیات ۳۵-۴۱ سوره ابراهیم بیان کرده است. آیه ششم این سوره نیز به صورت مختصر به ستم‌گری فرعون اشاره دارد که فرزندان بنی‌اسرائیل را سر می‌برید و دخترانشان را زنده نگه می‌داشت.

نتیجه

بررسی سوره‌های رعد و ابراهیم که بیان‌گر سنت‌های اجتماعی-الهی است، نشان می‌دهد، چنین سنت‌ها و قوانینی در تمام جوامع وجود دارد؛ زیرا قوانین حاکم بر حوادث جهان همان روابط علی و معلولی است که همواره بر جریانهای زندگی اجتماعی انسانها حکومت می‌کند.

این که قرآن مسلمانان را به تفکر در احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از آن تشویق و ترغیب می‌نماید، تنها زمانی ممکن است که تمام نظام هستی بر اساس قانون علیت استوار باشد نه به صورت گزاف و از روی تصادف حوادث.^۱

۱. مرتضی مطهری، آشنایی باقرآن، ۲، ص ۵۱ چاپ هفتم؛ صدرا، تهران: ۱۳۷۲.

با توجه به قانون‌مند بودن جوامع، سنن تاریخی را می‌توان تجزیه و تحلیل کرد و بر همین اساس، بقا و رشد جامعه و یا گمراهی و نابودی آن را بررسی نمود. آیاتی که به سرگذشت افراد و ملت‌های خودخواه و ستم‌گر می‌پردازد و این‌که چگونه خداوند آنان را گرفتار ساخت و یا آیاتی که در رویارویی حق و باطل همواره پیروزی نهایی را از آن حق دانسته است، بیانگر این نکته است که با تفکر و تأمل در سرنوشت گذشتگان و اعمال و رفتار آنان راه درستی برای زندگی در پیش گیریم و اقدامات لازم و رفتار مناسب برای آینده درخشان و جامعه فردا اتخاذ نماییم. به عبارت دیگر، بهره‌گیری از گذشته برای حرکت درست در آینده در چارچوب عبرت‌آموزی از دیدگاه قرآن است.

در نتیجه، عبرت‌گیری و عبرت‌آموزی وجه بارز آیات تاریخی و سنن اجتماعی است که گذشته را چراغ راه آینده باید قرار داد. پندگرفتن یکی از اهداف قرآن در دعوت کردن انسانها به تعقل و تفکر در سرنوشت گذشتگان و یا تشویق انسانها به گردش در سرزمین امت‌های پیشین است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی